

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
?Tehran: Confrontation with Aesthetics
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

نقطه نظر / نقد نظر

تهران: جدال با زیبایی‌شناسی؟

مریم‌السادات منصوری*

دکتری زیبایی‌شناسی شهری، عضو هیئت علمی پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲

چکیده

اهمیت آنچه که «زیبا» ست، از قرن پنجم پیش از میلاد که افلاطون، میان امر عقلانی و منطقی^۱ با امر خوب، احساسی و ادراکی^۲ تمایز قائل شد، مطرح گردید. گذر از دوران و تجربه اقسام تحولات جوامع، راه ورود این پدیده را، که قبل از تعریف علمی و مدون در ادبیات فلاسفه رایج بود و جوامع برداشتی شهودی از آن داشتند، به گفتمان آکادمیک گشود: «علم امور محسوس»^۳ که در نیمه قرن هجدهم، توسط الکساندر بومگارتن^۴ تبیین شد. پس از آن فهم و ارزیابی امر زیبا در قالب علم «زیبایی‌شناسی» رایج شد و به دور از آن که محدود به دنیای هنر بماند و بر ابعاد ذهنی دلالت کند، مقیاس عینی و کارکردی یافت. مصداق شناخته شده این دگردیسی، در ادبیات شهر، عبارت «زیبایی‌شناسی شهری» است. جوامع، از دوران تیلور شهرهای روم و یونان باستان تا شهرهای امروزی در جای‌جای جهان، با اقدامات منتج از نگاه زیبایی‌شناسانه یا مداخلات شهری با اهداف زیبایی‌شناسانه آشنا هستند. تزئین نمای بناهای شهری با انواع موتیف‌ها، خلق پرسپکتیوهای بصری قاب‌بندی شده، زینت‌دهی به فضاهای باز شهری با استفاده از پوشش گیاهی و این قبیل اقدامات در زمره اقدامات زیبایی‌شناسانه قرار می‌گیرند. مدیریت شهری با بهره‌گیری از ابزار عینی و ملموس از یک سو، و اتکا به ظرفیت‌های ذهنی و غیرملموس از سوی دیگر، درصدد تحقق اهداف زیبایی‌شناسی در بستر شهرهاست. آنچه در این مبحث سؤال برانگیز شده، نحوه مواجهه مدیریت شهری با این موضوع در تهران است که به نظر می‌رسد، به دور از آن که ظرفیت‌ها، امکانات، نیازها و شیوه‌های برآمده از زیبایی‌شناسی یا منتج به زیبایی‌شناسی را درک کرده باشد و با آنها هم‌سو شود، گویی موضع مقابله با آن اتخاذ کرده و به جدال با زیبایی‌شناسی برخاسته است.

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی، زیبایی‌شناسی شهری، مداخله زیبایی‌شناسی، تهران، مدیریت شهری.

مقدمه و بیان مسئله

نزد مدیران شهری، زیباسازی شهر یا به عبارتی، مداخله در شهر با اهداف زیبایی‌شناسانه، در شکل‌های مختلف و با بهره‌گیری از ابزار متنوع (تصویر ۱) از جمله نصب آثار هنری، تزئین بناها، خلق منظرهای چشم‌نواز و استفاده از گیاه و سبزی‌نگی تعریف شده است. در سال‌های اخیر، اهداف زیبایی‌شناسی دگرگون شده و از مداخلاتی که صرفاً، لذت و آسایش فضای زیست انسان‌ها را بهبود می‌بخشد، به مداخلاتی که سلامت روان و جسم جوامع را هدف گرفته، ارتقاء یافت و وارد حوزه علمی چون محیط‌زیست، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز شده است. از آن پس، مداخله

در شهرها با هدف زیبایی‌شناسی، عبارت است از اقدامی که با تکیه بر ظرفیت‌های موجود یا خلق ظرفیت‌های جدید (تصویر ۲)، به سویی برود که خروجی آن، ارتقاء کیفیت زیست اجتماعی در بستر شهرها باشد. دو نمونه تصاویر ۱ و ۲، مصداق‌هایی کامل از نگاه زیبایی‌شناسانه به فضاسازی شهری است و طرز فکر جوامع را در دوره‌های مختلف روایت می‌کند. اما تمرکز بر آنچه که در تهران به‌عنوان زیبایی‌شناسی مشاهده می‌کنیم، حاوی نتایجی سؤال‌برانگیز در مورد فهم [کج‌فهمی؟ یا نافهمی؟!]^۱ ماهیت این پدیده است.

بدنه نقد

از نخستین نشانه‌هایی که در سفرنامه‌ها و اسناد تاریخی از تهران یافت



تصویر ۱. «شهر آرمانی»، ترکیب‌بندی و خلق اثر: فرانچسکو دی جیورجیو مارتینی، ۱۴۷۷. منظری از شهر آرمانی که اوج گردهم‌آیی ارکان عینی زیبایی‌شناسی شهری است: تقارن، بناهای معماری شاخص، قاب‌بندی دید و ایجاد عمق میدان، عناصر تزئینی (مجسمه، آب‌نما، ستون، سرستون) و کف‌سازی با اشکال هندسی. به نظر می‌رسد طرز تفکر در دورانی که این تصویرسازی محصول آن است، اصالت زیبایی را به عناصر فیزیکی داده و هدف آن، به‌نمایش گذاشتن حداکثری ساخته‌های هنرمندان و معماران زمان بوده است. مأخذ: [https://fr.wikipedia.org/wiki/La_Cit_id_ale_\(Urbino\)](https://fr.wikipedia.org/wiki/La_Cit_id_ale_(Urbino))



تصویر ۲. پروژه «منظر زمان»^۵، طراحی و خلق اثر: آلن سوفیست، منهن، نیویورک، ایالات متحده آمریکا، ۱۹۶۵. در جزیره منهن شهر نیویورک، در زمینی مستطیل‌شکل، آلن سوفیست، هنرمند متخصص هنر سرزمینی، پیشنهاد احیای مجموعه‌ای (پالت) از گیاهان بومی منطقه را داد که در دوران زیست سرخ‌پوستان آمریکا، آن سرزمین را جنگل‌وار پوشانده بوده اما با کشف قاره توسط اروپایی‌ها و آغاز و توسعه فرایندهای شهری‌سازی، به‌کلی از بین رفته‌اند. این بی‌شبه منظرین، در واقع زنده‌سازی خاطره مشترک اهالی بومی است که اگرچه هیچ‌کدام شخصاً تجربه و خاطره فضا را ندارند، اما نماد هویتی شناخته‌شده‌ای نزد آنهاست. مکان‌یابی پروژه نیز پیرو ردپای تاریخ است: در جوار مکانی که در اصل، مردابی در آن قرار داشته که سرخ‌پوستان بومی در آن به صید ماهی و شکار اردک می‌پرداخته‌اند و محل جریان زندگی اجتماعی آنان بوده است. به‌علاوه، تغییر و تحولات دائمی پروژه با تغییر فصول و رشد گیاهان، منظر زنده و پویایی را در معرض نمایش و معرفی به همگان گذاشته و از این حیث، اقدامی زیبایی‌شناسانه تلقی می‌شود که ابعاد هویتی، تاریخی، اجتماعی، محیط‌زیستی و همچنین گردشگری را توأمان داراست. مأخذ: راست (اسکیس): www.fahrenheitmagazine.com، چپ: www.hmdb.org/ The Historical Marker Database.

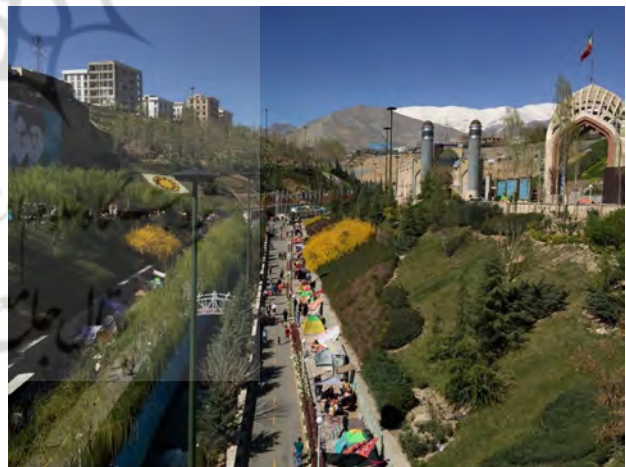
کنیم که تهران، پایتخت ایران، هرچه «باکلاس‌تر» و «لاکچری‌تر» به چشم آید! پروژه‌های عمرانی بزرگ‌مقیاس به‌تقلید از اتفاقاتی که در شهرهای چین می‌افتد (تصویر ۳) یا مدفون کردن دره‌های شهر به‌بهبانۀ ساخت پارک‌های خطی مدرن (تصویر ۴) مصداق‌هایی از این سؤال‌مندی انحرافی است. نگاه‌هایی این‌چنین دور از زیبایی‌شناسی به‌پدیده شهر، در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای کشور، مسبب پیدایش فضاها و منظرهایی شده که با سرشت انسان در تعارض است. مداخله در فضا بدون در نظر گرفتن القای زیبایی‌شناسی، تدریجاً منجر به پیدایش زیست‌گاهی می‌شود که ویژگی‌های مخاطب

می‌شود، تأکید بر منظر طبیعی منحصر به فرد آن است: اختلاف ارتفاع از بلندی‌های شمیرانات تا دشت ری، دره‌های متعدد، باغات و مزارع و کوهستان هم‌جوار. این عناصر، همچنان امروز، در نگاه گردشگران به چشم می‌آید و تداعی ویژگی طبیعت‌گرای شهر است، اما این عناصر کجای زندگی اهالی شهر جای دارد؟ مدعیان زیباسازی شهر، از سازمان زیباسازی شهرداری تهران که نامش به رسالتش گره خورده، تا سایر سازمان‌ها و شوراهای ریزودرشت، گویا، نه‌تنها ترجمان زیبایی‌شناسی را در سرزمین‌های دور جستجو می‌کنند، بلکه سؤال صحیح را نیز نپرسیده‌اند. به نظر می‌رسد سؤال، بیشتر معطوف به آن بوده که چه



تصویر ۳. بزرگراه صدر، تهران، ۱۳۹۲. تلاش مدیریت شهری برای به نمایش گذاشتن چهره‌های باهبت و قوی از پایتخت با توسل به نمادهای زیباشناسانه کاذب همچون ابرسازه. آن چه در تصویر مشهود است، چنان که در مباحثات و مجادلات فراوان پیرامون پروژه صدر میان ساکنین و مدیران نیز مطرح بود، تحمیل شکاف به بافت مسکونی و تنزل ارزش آن است. پروژه صدر که با هدف ترسیم چهره‌های پیش‌رو، فعال و مقتدر برای پایتخت پیش‌بینی شده بود و قاعدتاً می‌بایست اثرگذاری مثبت بر ابعاد زیباشناسانه شهر داشته باشد، به خدشه‌ای بصری بر منظر رو به شمال شهر بدل شد. به‌علاوه آن که زیست اجتماعی شهروندان را بی‌آن که ارتقاء بخشد، هدف حمله و دست‌درازی قرار داد. مأخذ: www.irna.ir.

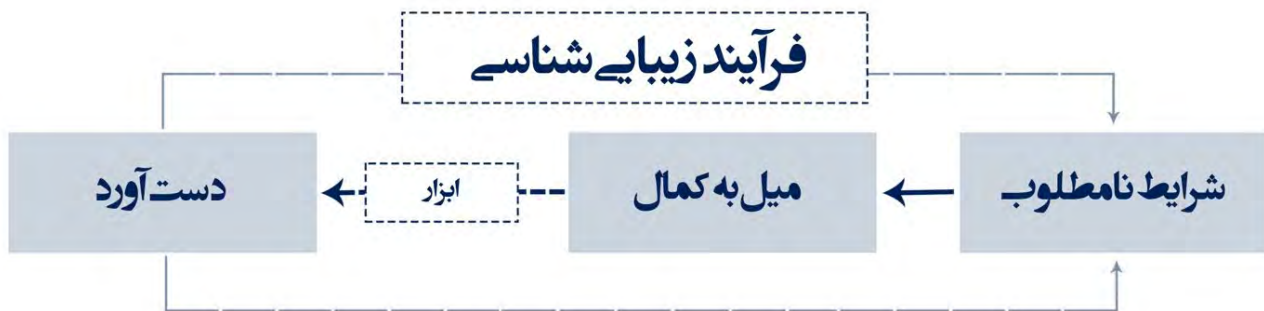
خود را نمی‌شناسد و به‌این ترتیب، انسان در آن غریبه خواهد بود؛ مفاهیمی چون احساس تعلق یا خاطره مشترک در این زیست‌گاه‌ها کم‌رنگ خواهد بود و انسان‌ها، در نهایت، ساکن فضاهایی خواهند شد که به گفته مارک اوژه، نامکان (Augé, 1992) است. این نامکان‌ها، نقطه‌مقابل آرمان‌شهرند و عبارتند از فضاهایی که وجود دارند و افراد در آن زندگی و فعالیت می‌کنند اما درحقیقت، زندگی اجتماعی در آن‌ها جاری نیست. ادراک زیبایی و تحلیل زیبایی‌شناسانه، مستلزم درک مفهوم شهر و احترام به جایگاه انسان در آن است. شهر، بستر شکوفایی نیازهای اجتماع است و نگاه زیبایی‌شناسانه، ابزار تحقق این شکوفایی است. زیبایی‌شناسی توان آن را دارد که با تشخیص، تمییز و اولویت‌بندی ظرفیت‌ها، فضاهای زیست‌جوامع را بهبود بخشد و پس از آن، در مسیر پیشرفت و ارتقاء مداوم قرار دهد. از نقطه‌نظر فرایند زیبایی‌شناسی (Mansouri, 2018)، دست‌آورد هر مرحله پیشرفت، پایان راه نیست و خود، ابزار حرکت مرحله بعدی در مسیر کمال است (تصویر ۵).



تصویر ۴. بوستان نهج‌البلاغه. دره فرحزاد در شمال پارک خطی نهج‌البلاغه به‌گونه‌ای طراحی شده که مخاطب، کوچک‌ترین ارتباط لمسی و حتی بصری با آب، که جوهر اصلی طراحی فضا است، نداشته باشد. اگرچه که مدیریت شهری هنگام تصمیم‌گیری اولیه، ادراک صحیحی از منظر طبیعی فضا به‌عنوان ظرفیت زیباشناسانه داشته است اما در مرحله طرح و عملیات، نقطه‌نظر زیباشناسی به فراموشی کامل رفته و جای خود را به اختلاطی از سلیقه تزئین‌گرایی، سبزی‌نگی افراطی و مونومانتالیسم داده است. عناصر زیبایی‌شناسی آب روان و منظر کوهی که در محور طبیعی واقع است، در پروژه جایی ندارد. اصل، بر تقسیم فضا به خط دوچرخه و فضای کف‌سازی‌شده پیک‌نیک است؛ تقسیمی که توسط جدول‌های رنگ‌شده تحقق یافته و در اولویت بعدی، طرح کاشت شلوغ، متنوع، غیربومی و بی‌معنای فضا است که توجه را جلب می‌کند. اما آنچه در رفتار مخاطب پیداست، میل به استقرار در طبیعت است. زیبایی‌شناسی اگر به‌دنبال ارتقاء کیفیت زیست انسان در فضا باشد، در این پروژه، «انسان» و «فضا» و «کیفیت» را به‌کل نادیده گرفته است. عکس: مریم‌السادات منصور، ۱۳۹۴.

نتیجه‌گیری

سخن نهایی آن که شاید نگاه زیبایی‌شناسانه به شهر تهران چیزی جدای از آن باشد که امروز می‌گذرد: پل‌های بزرگراهی چندطبقه، هم‌شکل کردن اجباری نماهایی که هر کدام پیام و خاطره ویژه خود را داراست، کاشت یک‌پارچه چمن در حاشیه



تصویر ۵. فرآیند زیبایی‌شناسی، براساس نظریه اعتباربخشی جان دیویی (Dewey, 1989). مأخذ: نگارنده.

تردید و کبریت می‌ترسم، من از سطح سیمانی قرن می‌ترسم. بیا تا نترسم من از شهرهایی که خاک سیاشان، چراگاه جبرئیل است. مرا باز کن مثل یک در به روی هبوط گلابی در این عصر معراج پولاد. مرا خواب کن زیر یک شاخه دور از شب اصطکاک فلزات. اگر کاشف معدن صبح آمد، صدا کن مرا. و من، در طلوع گل یاسی از پشت انگشت‌های تو، بیدار خواهم شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Noëta. ۲ / Aistheta. ۳ / Aesthetica. ۴. Alexander Gottlieb Baumgarten
۵. Land Art. ۶ / Time Landscape, Alan Sonfist. ۱۷۱۴-۱۷۶۲

فهرست منابع

- Augé, M. (1992). *Non-lieux : introduction à une anthropologie de la surmodernité*. Paris : Seuil.
- Dewey, J. (1989). Art as Experience. In J. Ann Boydston (Ed.). *The Later Works of John Dewey*, Vol. 10. Carbondale. South Illinois University Press.
- Mansouri, M. (2018). *Études esthétiques du paysage urbain téhéranais* (Inédite Thèse de doctorat). Université Paris Ouest Nanterre.

بزرگ‌راه‌های شهری چون شهید مدرس با صرف هزینه و نیروی انسانی خارج از مقیاس و اسراف آب تا که سبز بماند و تنک و «نازیبا» نشود یا چاپ و نصب منتخبی تصادفی از آثار هنرمندان به‌نام جهان و ایران در حاشیه خیابان‌های شهر به‌بهانه برگزاری «نمایشگاهی به‌وسعت شهر». شاید نگاه زیبایی‌شناسانه به تهران، تنها، نگاهی «قدرشناسانه به طبیعت» آن باشد و بازی دادن آن در مداخلات فضایی و برنامه‌ریزی‌ها. این بیان را سهراب سپهری، در شعر «به‌باغ همسفران»، چنان شیوا سروده که شکوفایی، پختگی و آسایش روان انسان را تنها با توجه به نشانه‌های طبیعت و غرق شدن در آن‌ها ممکن می‌پندارد. او با بهره‌گیری از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی، نخست، به ترسیم منظرهای شهری هراس‌آور، مهاجم، تحمیلی و مزاحم پرداخته و سپس، به دنبال رهایی از آن‌هاست. در این راه، از طبیعت به‌مثابه ابزار زیبایی‌شناسی یاری می‌جوید. در نهایت، بیداری و شکوفایی را هم‌سنگ «طلوع» و «شکفتن» گل می‌داند که اگرچه از ساده‌ترین و پیش‌پا افتاده‌ترین نمودهای طبیعت‌اند، اما دریچه‌هایی پیچیده و غنی به شناخت زیبایی‌شناسانه بستر زیست تلقی شده‌اند:

[...] در ابعاد این عصر خاموش، من از طعم تصنیف در متن ادراک یک کوچه تنهاترم؛
[...] در این کوچه‌هایی که تاریک هستند، من از حاصل ضرب

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصورى، مریم‌السادات. (۱۴۰۲). تهران: جدال با زیبایی‌شناسی؟. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۱ (۳۹)، ۵۹-۶۲.

DOI:10.22034/JACO.2023.390833.1306

URL:http://www.jaco-sj.com/article_169101.html

